



مینا محمدخان خیرآبادی
چهارمحال و بختیاری

عدالت اجتماعی، زیربنای جامعه مدنی

عدالت justice در لغت به معنای داد، دادگستری آمده است و در این بحث به وضع یا حالتی گفته می‌شود که در آن زورگویی عده‌ای از انسان‌ها به دیگران در جامعه به حداقل کاهش یابد این وضع یا حالت را عدالت می‌نامیم. عدالت اجتماعی وضعیتی که انسان در جمع هم نوعانش می‌تواند امید به تحقق نسبی آن داشته باشد نه تحقق کامل آن.

بی‌شک در تاریخ ما شیعیان فقط مولا علی (ع) بوده‌اند که مظهر عدل و عدالت بوده‌اند. آن بزرگ‌مردی که برای اجرای عدالت و مساوات در برابر خواسته‌ی برادرش، دست‌رده‌ی سینه‌ی او می‌زند.

اما در این مقاله به این سوالات پاسخ داده می‌شود که آیا در کشور ما که داعیه‌ی ام‌القرایی دارد و شعارش حکومت اسلامی به شیوه و سیره‌ی نبوی و علوی است، عدالت و قسط هم به همان سیره اجرا می‌شود یا خیر؟

اگر بخواهیم یک تعریف علمی و جامعه‌شناسانه از نابرابری و بی‌عدالتی آزایی کنیم باید بگوییم نابرابری، بی‌عدالتی و از هم گسیختگی پدیده‌ای درون بخشی است که گسستگی میان بخش‌ها را نشان می‌دهد و ناشی از فقدان یا ضعف پیوندهای ارگانیک بین بخش‌هاست.

وقتی توزیع نابرابرانه‌ای از منابع کمیاب (ثروت، قدرت، منزلت) و ارزشمند در میان واحدهای اجتماعی که به وجود آورنده‌ی نظام اجتماعی‌اند وجود داشته باشد آنهایی که سهم متناسب از این منابع را به دست نیاورده‌اند دچار تردید می‌شوند و این تردید زمانی بیشتر رخ می‌دهد که مردم احساس کنند در راه تحقق آرزوهایشان برای تحرک عمودی (Vertical Mobility) موانعی ایجاد کرده‌اند، یا تصور کنند که راه‌های کافی برای مرهم گذاشتن بر زخم‌هایشان وجود ندارد و یا از پاداش‌های حق‌شان در بسیاری از بخش‌های اجتماعی محروم مانده‌اند. و این محرومیت باعث می‌شود که از نظر عاطفی برانگیخته شوند و با

درجات متفاوت کشمکش‌ها و خشونت‌هایی میان محرومان و ممتازان بوجود آید.



ریشه نابرابری و بی‌عدالتی در ایران به گستردگی دستگاه‌ها و تشکیلات اداری باز می‌گردد و اینکه حتی برای ابتدایی‌ترین و کوچکترین امور نیز مردم مجبور هستند به دستگاه دولتی مراجعه نمایند. وقتی هر جنبه از زندگی ما زیر نظر دولت باشد آیا تعجب زیادی دارد اگر به تدریج بی‌عدالتی بوجود آید؟ همواره این احتمال وجود دارد که در میان خیل عظیم انسان‌هایی که به نام کارمند دولت جمع شده‌اند عده‌ای و سوسه شوند تا برای انجام کار یا صدور موافقت‌نامه

دریافت کنند. در کشور ما بی‌عدالتی باعث بوجود آمدن دو دیدگاه شده است. یکی به مردم که زرد و لاغر و افسرده و سردرگریاب‌اند و به مسوولین که گوشتناک و گوشخورند ولی گوششان بدهکار نیست که هر جا که هستند و در هر مقامی از جانب همین مردم سر کارند. بنابراین روگرداندن از مردم، پاسخ ندادن به مردم، محرم نداشتن آنان، به درد و داغ مردم بها ندادن با ما آن خواهد کرد که با بسیاری نظام‌های فروشکسته‌ی تاریخ کرده‌است.

برای بسط موضوع ناگزیریم کمی به عقب برگردیم و مروری بر تاریخ داشته باشیم.

انقلابیان ایران در طی جنبش‌ها و نهضت‌هایی نظیر جنبش مشروطه و بعد از آن انقلاب اسلامی، خواستار آزادی بیشتر، عدالت و دموکراسی بودند. انقلابیان خواستار حکومتی بودند که در اعمال گسترده قدرت مطلق و خودکامه ناممکن باشد، نمایندگان انتخابی مردم مسوولان اجرایی را منصوب و فعالیت‌های آنها را کنترل و تعدیل کنند انقلابیان



ایران برای عدالت و آزادی مبارزه می‌کردند اما معنای آزادی و عدالت از نظر آنها با درک آنها از مفاهیم عدالت و برابری نه بورژوازی بود و نه اشکال و الاثر آن، بلکه آنها برای عدالتی جنگیدند که می‌خواستند از شر بی‌قانونی سازمان یافته و رسمی خلاص شوند. (۱)

انتظارات ذهنی

دستاوردهای عملی (تحقق پذیر)



همیشگی ما باشد. در این باره امام خمینی (ره) می‌گویند: از همه کسانی که این ملت با زحمت خودش آن‌ها را به مقامی رسانده است می‌خواهم که تمام توان خودشان را برای خدمت به این مستضعفین و خدمت به این بی‌فولغ نشین‌های بیچاره و خدمت به این زاغه نشینان صرف کنند. به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است. اسلامی که پرچمداران آن همیشه از مال و قدرت بی‌بهره بوده‌اند و دشمنان حقیقی آن، زران و زان حیل‌گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی‌هنراند. (۳)

بدون شک یکی از شاخص‌های عمده، مهم و انکارناپذیر خط و راه امام که در کلام و عمل ایشان بارز و محسوس بوده، ویژگی دفاع از مستضعفان و بسط عدالت اجتماعی است که همواره در هر فرصتی بر آن تاکید نموده و بدان اهتمام داشته‌اند و از این رو اصولاً تلقی امام خمینی را از تشکیل حکومت اسلامی باید برپایه قسط و عدل و حمایت از محرومین و اقشار ضعیف به تبع اعتقادات اسلامی دانست. ایشان در همین باره اشاره می‌کنند: پیغمبر اسلام تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه‌ی بسط عدالت اجتماعی. خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابی‌طالب (ع) نیز با همان انگیزه به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است. (۴)

بطور کلی عدالت مفهومی است غیر از مفهوم تساوی و به تعبیر بهتر می‌توان گفت: هر صاحب حقی را به حق خود رساندن. کلمه‌ی عدالت در موارد زیادی به کار می‌رود و در هر مورد معنای بخصوصی می‌یابد و در عین حال از یک معنا و حقیقت واحد سرچشمه می‌گیرد. عدالت اجتماعی مفهومی است که هر ملتی و جمعیتی از دریچه‌ی افکار آن را تفسیر و بر کارها و اعمال خود تطبیق می‌دهد؛ ولی اگر بخواهیم حقیقت آن را بیابیم باید در اجتماعی که تمام افراد و اعضای آن به حقوق واقعی خود رسیده‌اند آن را جستجو کنیم.

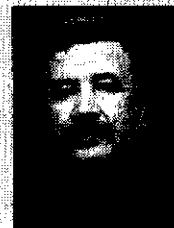
عدالت اجتماعی را می‌توان به عنوان بزرگ‌ترین هدف حکومت اسلامی تلقی کرد چنانکه بعثت پیامبران و تشریح ادیان به منظور تحقق قسط و عدل به مفهوم وسیع کلمه در نظام حیات انسان بوده است و اساساً هیچ مکتب و ملتی نمی‌تواند عدالت اجتماعی را نادیده بگیرد به گونه‌ای که عدالت اجتماعی مستقیماً به سز نوشت ملت‌ها و دولت‌ها پیوند خورده است تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کشور یا کفر می‌ماند اما با ظلم ماندنی نیست.

البته بحث عدالت اجتماعی بحثی پر دامنه است و در واقع ابعاد و جوانب

در عین حال شکافی که بین دست‌آوردهای عملی و انتظارات ذهنی ایجاد شد ایرانیان را دچار یاس و سرخوردگی کرد. اوضاع اقتصادی به علل داخلی و خارجی بدتر شد و دسته‌بندی‌ها و فساد میان نخبگان 'the' سیاسی بیشتر شد و... در طی تاریخ نابرابری‌ها و چپاول‌گری‌های عدالتی را پررنگ‌تر از همیشه می‌ساخت از جمله وابسته شدن میزان تقاضاهای داخلی، بالا رفتن سطح مخارج دولتی به قیمت و حجم نفت صادراتی، افزایش و کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی دولت که تنها عامل دریافت توزیع درآمد بوده و هست، ایجاد بخش اقتصادی مستقلی که با سایر بخش‌های اقتصاد سیاسی بیگانه و میزان اشتغال آن بسیار پایین و درآمد کارکنان آن بسیار بالا و نامتناسب است، پیدایش منبهی نامشهود برای گسترش و واردات مصرف برای طبقات مرفه شهری و ایجاد شکاف بین کار انجام شده از یک طرف و درآمد افراد از طرف دیگر و در نتیجه افزایش انتظارات طبقات مرفه و نوپای شهری. (۲)

مطالب ذکر شده در صورتی عبرت‌آموز است که بدانیم عدالت و ثبات اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت مسالمت‌آمیز در ایران تنها در صورتی ممکن است که سرسخت‌ترین دشمن آن یعنی استبداد ایرانی و پایه‌عبارتی بی‌عدالتی خودمآنی برای همیشه ریشه کن شود و هرگز فرصت داده نشود تا زیر پوشش اصلاح‌طلبی، سنت پرستی، یا هر چیز دیگری پنهان شود.

از سوی دیگر یکی از اهداف والای اسلام تأمین عدالت اجتماعی است. چنین هدفی هرگز نباید در انقلاب اسلامی ما فراموش شود، خدمت به محرومان و مبارزه با قشر‌های زران‌نوز و زورگویی که جز به منافع خویش نمی‌اندیشند باید راه و رسم



فریدون خاتمی - تهران

چندین میلیارد تومان و آن که این قدر حرف ندارد

فریدون خاتمی، چه دادگاه‌هایی داریم، مورا از ماست بیرون می‌کشند، یکی از روزنامه‌ها نوشته بود: مردمی از شدت ناامیدی به ساختمان وارد می‌شود و لنگه کفش‌های جلوی آپارتمان‌ها را در داخل یک گونی می‌گذارند. اهالی ساختمان، متوجه می‌شوند، پلیس ۱۱۰ را خبر می‌کنند و مردم را می‌گویند، در دادگاه علت را از او جویا می‌شوید، می‌گویند، چون شب عید بود از روی بچه‌هایم شرمند بودم لذا دست به این کار زدم.

دادگاه چون مرد بیچاره، سابقه‌ای هم نداشته او را به جزای نقدی محکوم می‌کند. ولی اگر او پول داشت، که دست به بردی نمی‌زد اما چهار جزای نقدی به سه ماه توان تبدیل می‌شود و مرد به زندان می‌رود. آدم به زن و زن به زن می‌افتد که به خاطر یک قرص دوزن سال‌ها به زندان افتاده‌اند. از طرف دیگر، تقویت اعلام کرد که باز به نفر از منتهیان پرونده الکاسب تبرئه شده‌اند و پرونده‌ها باز هم هنوز مطرح است. می‌بینید، پرونده‌ای را که آن همه جنجال روی آن برپا شد و روزنامه‌ها چندین بار آن را نقل کرده‌اند. بالاخره دادگاه محترم متوجه شد که هیچ کدام گناهی نکرده‌اند که حتی مستوجب مجازات هم نباشند. پرونده به آن قطوری اصلاحی خود درست

گوناگونی را در بر می گیرد. زمانی بحث عدالت اجتماعی را در جنبه های حقوقی می توان جستجو کرد که بیشترین تجلی آن در عدالت قضایی دیده می شود و اینکه همه شهروندان بتوانند از حقوقی یکسان در این زمینه برخوردار باشند. بیشترین نقش را در این رابطه قوه قضاییه بر عهده دارد. گاهی بحث عدالت اجتماعی را در زمینه های سیاسی و فرهنگی مورد توجه قرار می دهیم که این موضوع به شرایطی مربوط است که ما می خواهیم برای شهروندان امکانات آموزشی، بهداشتی و اطلاع رسانی را در حد تساوی به وجود آوریم و بدین ترتیب بستر جامعه را برای مشارکت فعال شهروندان در تعیین سرنوشت خودشان فراهم سازیم. وجه دیگر هم وجه اقتصادی این موضوع است که باید در سیاست گذاری ها به آن توجه شود به گونه ای که توزیع عادلانه در آمد و رفاه اقتصادی را برای عموم مردم به همراه داشته باشد.

یکی از محورهای اصلی تبیین قانون اساسی عدالت اجتماعی یا به عبارتی روح حاکم بر تدوین قانون اساسی، تحقق عدالت اجتماعی است به گونه ای که جامعه بتواند این آرمان را به شکل متوازن تحقق ببخشد.

برای این که مفهوم و ارزش عدالت اجتماعی را دریابیم باید بدانیم که عدالت در فرهنگ شیعه یکی از شرایط و لوازم قطعی و انکارناپذیر برای امام و امت اسلامی شناخته می شود لذا اصولاً امکان این که جامعه ای مسیری غیر از عدالت را پیماید و در همان حال خود را جامعه اسلامی بخواند وجود ندارد.

در عین حال، از عمده ترین خطراتی که مانع تحقق عدالت اجتماعی می شود و یا اجرای آن را به تأخیر می اندازد، خودخواهی ها و خودپسندی هاست.

چه بسا مقام معظم رهبری در جمع کارگزاران نظام فرمودند: «عمده خطر هوس پرستی است، تعجب نکند از همه خطرهای بالاتر همان هوای نفسی است که در دل ماست، از همه دشمن ها دشمن تر، همان نفس، همان من و همان خودی است که در وجود توست، آن منیتی که همه چیز را برای خود می خواهد.»

حال سوال اساسی این است که آیا عدالت اجتماعی در جامعه ما محقق شده است؟ پاسخ این خواهد بود که عدالت سالیان سال است که در جامعه ما مرده است یا اگر کسانی هنوز به این معتقدند که عدالت هست بدانند که این واژه غریب نفس های آخرش را می کشد. ذکر این مطلب ضروری است که بدانیم همیشه واقعیت است که می تواند بهترین آموزگار ما باشد. مشکل اول ما انکار است، انکار یاور نداریم که عدالت در حال مرگ است و قلب تپنده آن به کندی می زند. برای این که ما و شما بیشتر بدانیم بهتر است که کمی از حال و روز جامعه مان باخبر شویم.

کشور ما در دنیا دارای غنی ترین منابع و معادن است، کشوری است که از نظر آب و هوایی در هر گوشه ای از آن می توان نوعی گیاه خاص پرورش داد. ایران کشوری با بافت جمعیتی جوان است که برخی کشورهای اروپایی نظیر آلمان و ایتالیا آرزوی داشتن چنین جمعیت جوانی را دارند. در مقابل، ما تنها کشور در دنیا هستیم که بیشترین آمار معتادان به مواد مخدر را به خود اختصاص داده است، کشوری که ۲۵ درصد مردم آن زیر خط فقر زندگی می کنند.

کشوری که آمار رسمی بیکاران آن ۲/۵ میلیون نفر است و با هزاران هزار مشکل و نابسامانی دیگر دست و پنجه نرم می کند. اکنون شما قضاوت کنید آیا این تحقق عدالت در کشوری اسلامی است؟ کاش

یادمان می آید که قبل از انقلاب طوری از عدالت اجتماعی و تحقق آن برای مردم حرف می زدیم که دهان مردم آب می افتاد، آیا این است پیامد حکومت دینی و مردم سالاری؟ و آیا این است بزرگترین دستاورد انقلاب و توسعه در کشور؟؟

تحقق عدالت اجتماعی زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای بشری برآورده شود. که این امر در نظام حکومتی دموکراسی که آخرین شکل حکومت در جوامع بشری است امکان پذیر است و بس.

بی تردید عدالت اجتماعی زمانی حاصل می شود که افراد، متکی به رفتار و تصمیم خود باشند نه تصمیماتی که در درون اتاق های بسته سیاسی برای آن ها گرفته می شود. چون هیچ مرجعی بالاتر از مردم نمی تواند حافظ منافع خویش باشد.

آنچه امروز جامعه ما سخت بدان نیازمند است حذف جاه طلبی ها در ازای اعطای فرصت برای رشد منافع گوناگون و از بین بردن عوامل بازدارنده تمایلات صلح طلبانه و تقویت و تحکیم ساختار مردم سالار است و این امر محقق نخواهد شد مگر با پذیرش اصل تقسیم کار اجتماعی بر پایه اصول دموکراتیک.

دورکیم جامعه شناس فرانسوی در کتاب تقسیم کار، وابستگی های نژادی و خونی را به کناری می نهد و معتقد است که تقسیم وظایف باید بر اساس توانایی های فردی تقویض شود. در این صورت خود به خود جامعه به سمت تحول و تکامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روی خواهد نمود. اما در جامعه ما هنوز در بسیاری از سازمان های افراد شایسته

شده است.

بله، اینکه می گویند بعضی ها گاهی از سوراخ سوزن رد می شوند و گاهی از در دروازه، تو نمی روند همین است، دادگاهی به خاطر چند سطر نوشته، نویسنده اش را به زندان انفرادی می اندازد و بعد وثیقه ای چند میلیون صادر می کند. همین دادگاه، در مورد پرونده ای میلیاردی، بعد از آن همه سر و صدا، رای به برائت همه متهمان، صادر می کند. بله، همین طور بی حساب و کتاب، آنجا که نیست، آنجا که بشود، تیر نه می کند و آنجا که نشود محکوم می کند. حالا بگذار عده ای مغرض و معلوم الحال بگویند، اعمال نفوذ بوده است و چه وجه دادگاه کارش را می کند.

این پرونده به خاطر بیماری رییس دادگاه، مدت های تعویق افتاده بود، ولی بالاخره خوشبختانه ریاست دادگاه سلامت حاصل نمودند و این رای تاریخی را صادر کردند. حالا یک نکته باقی می ماند، آیا متهمان توریه شده این پرونده حق ندارند شکایت کنند که اصلاً به چه علتی آنها را دستگیر کرده اند و آبروی شان را برده اند و روزنامه ها چه حق داشته اند که آن قدر آقازاده، آقازاده کنند.

در روزگاری که اگر بیضی ۵۰ هزار تومان وام ناقابل از بانک بگیری آن قدر سبند و مدرک از تو می خواهند که اشکت را در می آورند، بانک خواسته است چندین میلیارد وام در اختیار مشتری خود قرار دهد، لابد آنها را می شناخته و اطمینان داشته، بعد هم دیدیم که پول ها به سلامت به بانک عودت داده شده است، دادگاه هم این را تأیید می کند، خوب این دیگر این همه جار و جنجال نمی خواهد.

عزیزان من، همه چیز، حساب و کتاب دارد، همین طوری که نیست، این را چند مرتبه باید بگوئیم؟

حاکم نیستند و مدیران و سرپرستان در زمینه مدیریت تخصصی ندارند و اگر خیلی هنز کرده باشند در یکی از حوزه های علمی و فنی، احتمالاً درجه دانشگاهی کارشناسی را کسب کرده اند. این یعنی محقق نشدن اصل شایسته سالاری و وجود رابطه به جای شتابه که یکی دیگر از موانع اجرای عدالت محسوب می شود.

تحقق عدالت اجتماعی به صورت نسبی به هوش، خلاقیت، خستگی ناپذیری، حسن مسوولیت، اشتراک مساعی، ادبیات سیاسی گسترده، سطح بالای معلومات و ساختار اقتصادی پیشرفته و متنوع نیاز دارد و امکان تحمیل آن به یک فرهنگ سراسر جهل و خصومت و خشونت وجود ندارد. (۵)

نکته دیگر این که تامین حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی چیزی نیست که از بالا تضمین شده و قابل گسترش باشد. کسانی که بالا هستند یعنی حاکمان، کسانی هستند که دیروز پایین بوده اند و الگوهای فکری و رفتاری خود را از پایین یعنی پیگیر اجتماع گرفته اند. جامعه مورد نظر ما از ساختاری که بتواند عدالت اجتماعی را تضمین کند و به طور نسبی حقوق و تعهدات افراد را محقق سازد عاری بوده و هست.

چنانکه بارها واژه رانت خواری، که یکی از معضلات مهم اجتماعی و اقتصادی جامعه ما است، را شنیده ایم و متاسفانه دامنه آن چنان گسترش یافته است که گروه های سیاسی حاکم هر از گاهی به ظاهر برای تهدید رقیب، از ازیه گزارش ها و رسوایی های ناشی از رانت خواری های بزرگ خبر می دهند. این حکومت که به تعبیری حکومت هزار فامیل است بارها سعی کرده است برای قبضه قدرت اقتصادی به موقعیتی برسد که بتواند در مدتی اندک، بیشترین بهره مندی را بیورد و به قول معروف بار خود را ببندد.

اما جالب این جاست که برای برخورد با این افراد، تخلفات مالی شان را سیاسی می کنند بعد هم جرم واقعی در حاشیه قرار می گیرد و جرم سیاسی برجسته تر می شود و سرانجام با شانتنازهایی ماجرا به اتمام می رسد. این شیوه چادری برای پنهان کردن زشتی و قبیاحت و از غارت و چپاول اموال عمومی می باشد و طبیعی است که در هر کجا و هر زمان که مردم و یا نمایندگان ناظر بر امور نباشند صاحبان قدرت یا هیات حاکمه، یا بهتر بگوییم خودی ها و نیز کاسه لیسان مظاهر و سالوس، بدون برخورد با مانع دست در جیب مردم می کنند و به غارت و چپاول اموال آنان می پردازند و رفته رفته هر کس که دستی بر آتش دارد و سهمی در سلطه، می کوشد تا پیشی گرفته و تاج غارت اموال مردم را بر سر گذارد.

پدیده غارت اموال عمومی بستگی همه جانبه به نوع حکومت بر جامعه دارد هر چه میزان سلطه بیشتر، باشد غارت و چپاول اموال عمومی بیشتر است. در چنین نظام هایی دستگاه قضایی نه می خواهد و نه می تواند که غارت گران و چپاولگران را مجازات کند بلکه سرگرم و دست اندر کار کیفردهی به آفتابه دزدها و یا وارد کردن اتهام و مجازات بی گناهان است. با این اوصاف آیا عدالت اقتصادی در جامعه ما برقرار است؟

برخی معتقدند که عدالت اقتصادی به عنوان پس زمینه عدالت اجتماعی است. با توجه به این واقعیت که بنا بر باورهای مذهبی یکی از بسترهای رشد و تجلی کفر، فقر اقتصادی است، لذا برای اسلامی کردن جامعه، ضروری است که جامعه از حد عمومی گذر کرده و به حد متوسطی از توان اقتصادی برای آحاد شهروندان دست یابد تا امکان درخواست و انجام تکلیف شرعی و اجتماعی از این شهروندان مقدور باشد. در این مقطع است که جلوگیری از رانت خواری ها و تبعیض ها ضروری می شود و این جاست که با کنترل و سالم سازی و بالاتر از همه برقراری عدالت در فضای رقابت، شاهد تجلی شایستگی ها خواهیم بود.

در شرایط کنونی جامعه ما، به نظر می رسد برای رسیدن به نقطه اولیه شروع یعنی حد متوسطی از رفاه اجتماعی که مفهوم فقر را در جامعه اسلامی زایل کند راه بسیاری در پیش دارد. اولین گام این است که به مقوله تامین اجتماعی نگاه جدی تری کنیم. ما باید به مرحله ای برسیم که ایرانی دغدغه تامین فردای خود را نداشته باشد و با نگاهی امیدوارانه و یادست کم غیر بدبینانه به آینده بنگرد. لازمه این کار حضور کلان دولت در سیاستگذاری های اقتصادی و البته عدم دخالت بی مورد در امور است. دولت باید جهت گیری خود را به سمت عدالت خواهی تغییر دهد. (۶) به این ترتیب می توان گفت: که لازمه پرداختن به عدالت اجتماعی تامین حداقلی از عدالت اقتصادی است. فراموش نکنیم که الگوی عالی جامعه مطلوب ما همیشه حکومت حضرت علی (ع) بوده است.

لذا حکومت باید با تغییر جهت استراتژیک خود به سوی گسترش عدالت، در مرحله اجرایی، بحث گسترش تامین اجتماعی را بسیار جدی بگیرد. در زمینه توزیع ثروت ضروری است که دولت با تعدیل مالیات ها و بهینه سازی و اصلاح منابع اخذ مالیات تکیه خویش را از منابع ثابت قابل وصول به منابع اجتماع ثروت تغییر دهد. در این راستا آن که از امکانات جامعه بیشتر سود می برد باید مالیات بیشتری بپردازد. برای

همین منظور انتخاب سیستم دریافت مالیات مستقیم باید مورد توجه قرار گیرد تا بدین وسیله نوعی توازن پرداخت مالیات میان بهره مندان و بی بهره گان از امکانات اجتماعی پدید آید.

عدالت اقتصادی که از بارزترین اشکال قسط و عدل تلقی می شود ریشه در فطرت انسان ها دارد و بشر همواره به عنوان یک آرمان و یک کمال مطلوب در جستجوی آن بوده و برای وصول به آن از بذل جان و مال خویش دریغ نداشته است. اگر بگوییم که بیشتر جنگ ها و منازعات برخاسته از مسائل اقتصادی، بیش از آنکه از فقر و تنگدستی باشد از بی عدالتی و تبعیض اجتماعی سرچشمه گرفته است، سخنی به گزاف نگفته ایم. بدین جهت شعار عدالت اجتماعی و اقتصادی همواره در سرفوچه اکثر مکاتب و مذاهب و نهضت ها قرار داشته است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) قدم به قدم با در نظر گرفتن شرایط لازم برای تحقق اصول عدالت خواهانه انقلاب اسلامی کمر همت بستند. حضرت امام بارها بر این اصل تاکید داشتند که عدالت زیربنای همه مصالح و اصلاحات است و ظلم و بی عدالتی سر منشا همه تباهی ها به شمار می رود. عدالت باید در همه برنامه ریزی های اقتصادی و تنظیم نظام اقتصادی رعایت گردد. استقلال اقتصادی کشور و رفاه، بدون اجرای عدالت بی ثمر خواهد بود و دست آخر آنکه، انتظار مردم از نظامی که حرف اولش عدالت است، تامین و تحقق آن می باشد. مردمی که امروز در دسته بندی های اجتماعی و درآمدی در رده های پایین واقع شده اند توقع دارند به طبقات میانی ارتقا یابند. به عبارت دیگر، از نظر اجتماعی حداقل خواست مردم به وجود آمدن یک طبقه توسعه یافته است که پیدایش این امر نیازمند اجرای طرح های بزرگی است که می تواند سنگ بنای محکمی برای جامعه مدنی باشد.

منابع و مآخذ:

- ۱- برگرفته از کتاب اقتصاد سیاسی ایران، محمد علی امین (اکتوزیان، ترجمه محمد رضا نفیسی)
- ۲- همان منبع، تلخیصی
- ۳- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۵۹
- ۴- نگرش موضوعی بر وصیت نامه سیاسی- الهی امام خمینی (ره)، ص ۱۳۷
- ۵- جامعه شناسی خودکامی، رضاقلی - علی، چاپ دوم، ۱۳۷۱، تهران، نشر نی، ص ۱۸۲
- ۶- روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۸/۲۲

